

اشیای بزرگ یا سنگین و همچنین ظروف شیشه‌ای، ظروف چینی و سایر اشیای شکستنی و ظروف حاوی مواد خوراکی و شیمیایی را در قفسه‌های پایین کابینت و کمد قرار دهید.

تولیدی



عموسیامک  
بیاشمع هارو  
فوت کن

فردا تولد سیامک انصاری است؛ کسی که احساس می‌کند زندگی خیلی جدی نیست، اصلا برای همین هم دنیای کم‌دی را انتخاب کرده. انصاری با «سفر به جزایه» مرحوم ملاقلی پور وارد سینما شد. او هم مثل هم‌قطاران در این سال‌ها از تیرهای شایعه در امان نبوده و با برچسب‌های «طلاق» و «دعوا» مورد عنایت قرار گرفته. اما نه از همسرش جدا شده و نه با همسران مدیری دعوا کرده. سیامک انصاری قرار است در فیلم جواد رضویان مقابل دوربین برود. «زهرمار» در روزهای پایانی پیش تولید قرار دارد.

پیشنهاد هفته

۱۸ ایده  
برای لذت از بی‌آرتی سواری

بی‌آرتی گردی تجربه منحصر به فردی است. هر چقدر هم که هوا گرم باشد و صدای گیرتان نیاید، باز هم چیزهایی به دست می‌آورد که بتوانید با آن روز و شب‌تان را بسازید. ما فقط برای نمونه چند ایده را با شما مطرح می‌کنیم، اما قطعاً ایده‌های بیشتری برای لذت بردن از بی‌آرتی سواری وجود دارد!

۱ با آدم‌هایی که در اتوبوس موسیقی اجرا می‌کنند، همراهی کنید؛ به سازشان دل ببندید و همزمان با آنها ترانه‌ها را تکرار کنید.

۲ اگر صدای گیر نیابید، غصه نخورید. شما می‌توانید این غصه را با نگاه کردن به منظره بیرون از پنجره از یاد ببرید. اگر منظره قشنگی نصب‌تان شود، شاید چند ایستگاه جا بماند!

۳ وقتی که با آدم‌ها چشم در چشم می‌شوید، لبخند بزنید. به این‌جا ماجراجو کنید که قرار است چند ایستگاه با او همراه باشید.

۴ هوا گرم است و بعضی آدم‌ها خیلی عرق می‌کنند. اگر سفر شما بیشتر از یک یا دو ایستگاه طول می‌کشد، خودتان را به کنار پنجره برسانید. عیبی ندارد.

۵ اگر داخل اتوبوس‌ها خیلی شلوغ بود و همه به هم چسبیده بودند، نه سرتان را ببرید توی گوشی خودتان و نه در گوشی دیگران؛ نفس عمیق بکشید و به سقف نگاه کنید.

۶ در طول سفر مسامحانه به این نکته بیندیشید که چقدر این سفر به نفع‌تان است؛ هزینه‌اش را در مرحله اول بساؤز آنس، در مرحله دوم با تاکسی‌های اینترنتی، در مرحله سوم با تاکسی‌های خطی و در مرحله آخر با مترو مقایسه کنید. دیدید؟! شما پیروز این معادلاتید. ایول.

۷ برای راننده انرژی مثبت بفرستید. مطمئن باشید این انرژی به خودتان برمی‌گردد؛ مثلاً با او هم صحبت شوید و به جای «خسته‌نباشید» بگویید: وقت به‌خیر.

۸ این روزها یک جوان ۲۰ ساله در اتوبوس هانقاشی می‌کشد. چشم‌تان را تیز کنید، ممکن است یکی از کارهای نیلوفر حیدریان را ببینید و حالش را ببرید.



جعبه جادویی

انتخاب با شماست

علم‌معلم دیگر نیست، اما جشن سینمایی و تلویزیونی حافظه‌ی یاد او همچنان بر گزار می‌شود. امسال این جشن تغییراتی هم داشته؛ مثلاً اینکه بهترین چهره تلویزیونی برای مردم شناخته می‌شود، راست و دروغش بماند، اما شما چه کسی را انتخاب می‌کنید؟



درباره «آمادگاه»، خیابانی قدیمی در اصفهان که پاتوق آرتیست‌هاست

خرابکاری در نصف جهان

از هنر مدرن لذت می‌برم. بین اون همه گل آبی و میناکاری و قلم‌زنی، آدم بهو به طرح خاص و جدید می‌بینم که پر از انرژی و طغیان. البته اگه شهرداری و کسبه اصفهانی بهش اجازه بدن.»

هتل عباسی، تور بست‌ها و گرافیتی

پر دیس چوپانی دانشجویی است که در اصفهان زندگی می‌کند. او هم معتقد است که پیش از این کارها در آمادگاه بیشتر بوده: «حالا متأسفانه همه رو رنگ کردن و کمتر میشه طرحی پیدا کرد. آمادگاه دقیقاً روبه‌روی هتل عباسیه. مواقعی که واسه گرفتن کتاب اونجا می‌رفتم گرافیتی‌ها نظرم رو جلب می‌کرد.»

پر دیس ادامه می‌دهد: «فکر می‌کنم آمادگاه به خاطر محیطی که داره و اغلب قشر فرهنگی و افرادی اهل هنر از اونجا رد میشن، پاتوق گرافیتی در اصفهان شده. البته یادمه آخرین بار همه دیوارهاش سفید شده بود و اثری از گرافیتی نبود. تنها کاری که یادمه رنگ نشده بود به تصویر کوچیک بود پایین راه پله‌ها. احتمالاً چون توی دید نبوده اون رو پاک نکردن.»

او می‌گوید: «گرافیتی در آمادگاه گاهی اونقدر زیاد میشه که نظر همه رو جلب می‌کنه. آمادگاه خیابونیه که توش کتابفروشی و فروشگاه لوازم هنری و صنایع دستیته. این خیابون روبه‌روی هتل عباسیه و همین موقعیتش باعث شده توریست‌ها از اونجا رد بشن. به نظرم به همین علت بهترین جا برا گرافیتیته.»

«OWL»، گرافیتی کار اهل اصفهان:

بچه‌ها در آمادگاه زود به زود کار می‌زنند. برای همین حساسیت‌ها بیشتر شده. یک مدت مامور ویژه برای این منطقه گذاشته بودند

کنار کتابفروشی کمند، کار می‌زده: «اخیراً اونجا هنرمندای گرافیتی اصفهان زیاد کار می‌کنن و برای همین مأمور زیاد شده و گرافیتی‌ها رو زود پاک می‌کنن. حتی مغازه‌دارها هم روی کارها رنگ می‌زنن.»

حس مدرن‌نیت در یک شهر قدیمی

«قبلاً توی آمادگاه خیلی گرافیتی می‌زدن، اما اونقدر مغازه‌دارها پاکشون کردن که بچه‌ها هم کلا دیگه انگیزه‌ای برای طرح زدن ندارن. الان دیگه هراز چندگاهی کار اجرا می‌کنن. توی آمادگاه اصفهان گرافیتی‌ها رو سریع پاک می‌کنن. واقعا حیف این هنره که اینجوری سانسور بشه. اینها را زهر عادل نیا می‌گوید. او جوانی است که در اصفهان زندگی می‌کند: «اصفهان مهد هنره. ولی خب هنر مدرن نه. گرافیتی‌ها به این شهر قدیمی حس مدرنیته میده. عده‌ای از مردم هم خوششون نمیا، ولی خب من

امیر هانفی نیا «هیپ‌هاپ» خود زندگی است؛ و گرافیتی هم شکلی از این زندگی. شاخه‌ای مظلوم که دست‌های بسیاری بر پیکره‌اش شلیک می‌کند. پوشش گرافیتی کار اما از فولاد است. او کم نمی‌آورد. برای همین معمولاً دو نوع پاتوق دارد. یکی برای خودش است و هیچ کس از آن باخبر نمی‌شود؛ و دیگری پاتوقی است که درست در مرکزی‌ترین نقطه شهر قرار دارد: مکانی برای جدال با سرمایه و قدرت. او کار می‌زند و پاک می‌شود... و این نبرد همین طور ادامه پیدا می‌کند. هر شهر پاتوق خاص خود را دارد. برای محفوظ ماندن کارها از دست مأمورانی که دنبال محو گرافیتی‌اند، نمی‌توان بسا جزئیات از مکان‌ها نام برد. معروف‌ترین اسپات‌های مشهد در ساختمان‌هایی متروکه و مخروبه قرار دارد. ساختمان‌هایی که حتی میزبان آرتیست‌های دیگر شهرها هم شده است. مثلاً در یکی از آنها کنار نام نمب از مشهد، نام همیشگی، بی‌تو، یونیک و ترس از تهران دیده می‌شود. این پاتوق‌ها قدمت گرافیتی در هر شهر را نشان می‌دهد؛ اکثرشان به خاطر سری بودن از دسترس شهرداری‌ها به دورند و برای همین ماندگاری بالایی دارند. پاتوق اصفهان اما «آمادگاه» است؛ خیابانی تاریخی که با گرافیتی عجین شده و پاتوق هویدای آرتیست‌ها در اصفهان است.

مامور ویژه برای آمادگاه

«OWL» گرافیتی کار خفنی است که در اصفهان کار می‌کند. او قبل‌تر در خیابان آمادگاه

سازو آواز

در هفته‌ای که گذشت، موسیقی کشور دو چهره داشت؛ همایون شجریان و حمید هیراد. آنها دو برای مدتی در صدر خبر قرار گرفتند و کارشان با واکنش‌های مختلفی روبه‌رو شد، اما آنها چه کرده بودند؟ شجریان با توجه به شرایط اقتصادی کشور از برگزاری کنسرت خیابانی گفت: «سراپا در خدمت ما بدون هیچ انتفاعی کنسرت خیابانی

سولد اوت شده‌ها!

گسترده برای شما عزیزان اجرا کنیم، شاید دلمان در کنار یکدیگر آرام گیرد. حمید هیراد هم طبق معمول با حاشیه دست‌وپنجه‌ترم کرد و متهم به لب‌خوانی در کنسرت‌اش شد. اما در این میان، کنسرت‌های تابستانه هم چند چهره جذاب

برای مخاطبان داشتند که باعث شد تمامی اجراهایشان سولد اوت شود. حالا دیگر به سختی می‌توان بلیت کنسرت‌های محسن یگانه، بهنام بانی و محسن ابراهیم‌زاده را پیدا کرد. «به سختی» که می‌گوییم، دو معنی دارد: یا باید با یکی از اعضای گروه مورد نظر فامیل در بیابید، یا این که بروید در بازار سیاه و بلیت‌ها را با قیمتی بیشتر تهیه کنید!

همیشه یگانه

۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰... روزهای مرداد پشت‌سر هم به اجراهای محسن یگانه اختصاص پیدا می‌کنند اما باز هم آدم‌هایی پیدا می‌شوند که از اجرای او جا بمانند! یگانه از اردیبهشت به بعد اجرایی در تهران یا شهرهای دیگر نداشت و به نوعی در دوره استراحت به سر می‌برد. او پیش از این وعده اجراهای جدید را داده بود. این خواننده برخلاف اغلب همکاران خود روال متفاوتی را پیش گرفته و هر سال فقط دو یا سه قطعه منتشر می‌کند. محسن یگانه تابستان ۹۶ قطعه «بعد تو» و آسند سال گذشته هم قطعه «عبور» را به مخاطبان‌اش ارائه کرد.



یادآوری چاپلین

محسن ابراهیم‌زاده ۱۷ شهریور سال ۱۳۶۶ در تربت حیدریه متولد شد. نخستین بار به‌طور جدی صدایش در تیتراژ برنامه مهتاب از شبکه تهران شنیده شد. او در سال ۸۸ با آهنگ «هنوز وقتی می‌خندی» شناخته شد و حالا طرفداران پروپاقرص زیادی دارد. برای همین کنسرت‌اش برای روزهای دوازدهم و بیست‌وچهارم مرداد تمدید و سولد اوت شد! ابراهیم‌زاده در آخرین پُست صفحه‌اش و در واکنش به اتفاق‌های اخیر جمله‌هایی از چارلی چاپلین گذاشت: «هیچ چیز در این جهان جاودانه نیست، حتی مشکلات و بدبختی‌های ما.»



سالن بالا!

«با خدا باش، پادشاهی کن. به لطف خدا و حمایت همیشگی شما عزیزان دلم بلیت‌های کنسرت در ۶ روز به پایان رسید. خدا رو شکر می‌کنم. مدیون این حمایت‌ها توتم و تلاش منومی‌کنیم که شرمند توتم نشیم و بتوانیم در کنار هم شادترین شب‌هارو رقم بزنیم و بهترین خاطرات رو بسازیم. پرانرژی و در کنار هم می‌ترکونیم. سالن بالا». بهنام بانی این پُست در صفحه شخصی‌اش خبر از سولد اوت شدن اجراهایش داد. او حالا به جمع خواننده‌های پرطرفدار پاپ پیوسته و بعید نیست باز هم اجراهایش سولد اوت شود. آخرین بار کنسرت‌اش برای روزهای ۱۲، ۱۳ و ۱۴ مرداد تمدید شد.



سفارش محمد حسین عماد به مخاطبان «شهر وند»

زُل بز نید به مجسمه‌های شهر

مجسمه‌سازی معاصر ایران را از آن خود کرد. او در سال ۸۶ هم دیپلم افتخار دوسالانه پنجم مجسمه‌سازی معاصر ایران را دریافت کرد. محمد حسین عماد، یکی از اعضای انجمن مجسمه‌سازان ایران است. وقتی که از او خواستیم برای آخر هفته پیشنهادی داشته باشد، گفت: «تمام هنرها



و حوزه‌ها در ایران به نوعی مورد توجه قرار می‌گیرند. آنها طرفداران خاص خود را دارند و سازمان‌هایی هستند که حمایتشان کند. اما مجسمه‌سازی تنهاست. او ادامه داد: «متأسفانه هنر مجسمه‌سازی در ایران مغفول مانده و مورد توجه قرار نمی‌گیرد.» عماد در آخر پیشنهاد داد: «برای یک بار هم که شده سراغ مجسمه‌سازان و کارگاه‌ها و معدود نمایشگاه‌هایش بروید. اصلاً به مجسمه‌های سطح شهر نگاه کنید و لذت ببرید.»

هم رایگان است و هم دیدنش کیف می‌دهد. چندسالی می‌شود که منظر شهری تهران و دیگر شهرها با حضور مجسمه‌ها حال و هوای دیگری پیدا کرده. این مجسمه‌ها را می‌توان در هر گوشه‌ای از شهر دید. تنها چیزی هم که نیاز دارد، چشم جست‌وجوگر و کنجکاو است. اصلاً

همین که بز نید بیرون و بخواهید مجسمه‌های یک خیابان یا محله را بباید، کلی لذتبخش است. محمد حسین عماد مجسمه‌سازی است که سال ۳۶ در اراک به دنیا آمده. او نخستین نمایشگاه انفرادی خود را در گالری فرزند تهران در سال ۱۳۷۲ برگزار کرد و پس از آن هم به برگزاری نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی در ایران، فرانسه، کویت، امارات متحده عربی، و هند ادامه داد. عماد در دوسالانه چهارم مجسمه‌سازی معاصر ایران (۱۳۸۴)، مجسمه‌ساز برگزیده شد و تندیس دوسالانه چهارم

پیشنهاد دیگران